#### جهانی که من می‏شناسم

**علی جان بزرگی**

##### اشاره:

نوشتار حاضر از جمله مقالات وارده به دفتر مجلّه است که با قلم یکی از دبیران محترم مدارس تهران نگاشته شده است.با امید به افزایش آثار علمی‏ از سوی شما معلمان گرامی،مقالهء زیر را عرضه می‏داریم.

کسی از دوستان گفت:عظمت فضا و کهکشانها به قدری است‏ که انسان در مقابل آن ذره‏ای بیش نیست.در پاسخ گفتم:اینکه‏ انسان این همه عظمت و بزرگی را می‏فهمد عظیم‏تر از عظمت‏ فضا و کهکشانها نیست؟

واقعیت این است که آسمان پر ستاره،حیرت‏انگیز است و زیبا؛دریا هراس‏انگیز است و دلربا.براستی این همه از چه‏وقت‏ و چگونه به وجود آمده است؟

اگرچه پاسخ صحیح و نهایی یافتن کار صعب و دشواری‏ است ولیکن جستجو در پی جواب تا حدودی تشنگی آموختن را اشباع می‏کند.برای یافتن پاسخ سؤال در دو حیطه به بحث‏ می‏پردازم:

##### الف-تفسیر فیزیکی جهان‏2

نظریهء قدما:اندیشمندان قدیمی عموما می‏پنداشتند که جهان‏ همواره در حالتی ثابت موجود بوده یا آن‏که در زمان معین در گذشته‏ای دور خلق شده و کمابیش به همان صورت بوده است. این امر تا حدودی ناشی از تمایل انسان به باور حقایق جاودانه‏ است.همچنین آن را باید در احساس آرامشی جست که اعتقاد به جهانی جاودان و تغییرناپذیر در انسان اسیر پیری و مرگ به‏ وجود می‏آورد.

بنا به نظر برخی از نحله‏های کیهان‏شناسی و نیز باورهای‏ یهودی و مسیحی،جهان در زمانی معین و در گذشته‏ای نه چندان‏ دور پدیدار گردید.یک برهان بر وجود چنین آغازی این احساس‏ بود که برای توضیح عالم،وجود علت العلل ضروری است. آگوستین قدیس با استفاده از کتاب«سفر تکوین»تاریخ آفرینش‏ جهان را 5000 سال قبل از میلاد مسیح برآورد می‏کرد.3

از سوی دیگر ارسطو و اغلب فیلسوفان یونان،اندیشهء آفرینش را نمی‏پسندیدندو بر این باور بودند که نژاد انسان و جهان‏ پیرامونش همواره وجود داشته و به همان نحو خواهد بود.

نظزیهء هابل:اما در سال 1929 ادوین هابل‏4متوجه شد؛به هر سوی جهان که نظر بیفکنیم کهکشانها به سرعت در حال‏ دور شدن از کرهء زمین هستند.یعنی جهان در حال گسترش است‏ و در زمانهای گذشته اشیا به یکدیگر نزدیکتر بوده‏اند.گویا روزی،حدود ده یا بیست هزار میلیون سال قبل،همهء آنها در نقطه‏ای واحد قرار داشته‏اند در نتیجه چگالی جهان بی‏نهایت‏ بوده است.بنا به مشاهدات«هابل»در گذشته‏های دور،زمانی‏ را می‏توان یافت به نام انفجار بزرگ‏5.در آن هنگام جهان‏ بی‏نهایت کوچک بوده و انفجار بزرگ را می‏توان آغاز زمان‏ خواند.6

نظریه‏های جدید:امروزه دانشمندان جهان را برحسب دو تئوری‏ پاره‏ای بنیادی توضیح می‏دهند:نظریهء نسبیت عام و مکانیک‏ کوانتم.

نسبیت عام نیروی گرانش و ساختمان کلان جهان را توضیح‏ می‏دهد؛یعنی از مقیاس چند مایل تا میلیونها مایل اندازهء جهان‏ قابل مشاهده است.

از سوی دیگر مکانیک کوانتم در مقیاس بسیار کوچک با پدیده‏ها سرو کار دارد.این هر دو تئوری هرکدام به تنهایی‏ نمی‏تواند تبیین کنندهء چگونگی آفرینش فیزیکی جهان باشد.

امروزه یکی از موضوعات مهم برای فیزیکدانان جستجو به‏ دنبال نظریه‏ای تازه است تا بتواند هر دو نظریه را یکپارچه نماید و وحدت بخشد.

سؤال اینجاست که آیا اینگونه نظریه‏ها می‏تواند پاسخگوی‏ «از کجا آمده‏ام آمدنم بهر چه بود»باشد؟

##### ب-تفسیر متافیزیکی پیدایش جهان

گرچه تفسیرهای متافیزیکی جهان گوناگون است.ولی‏ قصد ما اینست که از دریچه آیات قرآن به آفرینش بنگریم است.

آیاتی چون:54/اعراف،3/یونس،7/هود،59/ فرقان،4/سجده،38/ق،4/حدید این آیات جملگی‏ حاکی از این هستند که:«هو الذی خلق السموات و الارض فی‏ ستة ایام»مرحوم علامه طباطبایی(ره)در تفسیر آیهء مذکور چنین‏ می‏فرماید:

ظاهرا چیزی را که خداوند به نام«سموات»به لفظ جمع‏ ذکر کرده و با زمین مقارن ساخته و توصیف می‏کند عبارت از طبقاتی است از یک مخلوق جهانی مشهود که بالای زمین ما قرار گرفته.زیرا بطوریکه گفته‏اند«سماء»نام موجوداتی است‏ که در طبقه بالا قرار دارد و بر سر آدمیان سایه می‏افکند و بالایی‏ و پایینی از معانی نسبی است(با توجه به کرویت زمین).آسمان‏ اول همان است که کواکب و نجوم آنرا زینت داده.یعنی طبقه‏ اول که ستارگان را در خود گرفته و یا فوق ستارگان است و بوسیلهء ستارگان زینت یافته.همچون سقفی که با تعدادی قندیل‏ و چراغ تزیین یابد.ولی در توصیف آسمانهای بالاتر از آسمان‏ دنیا توصیفی در کلام خدا نیامده،غیر از وصفی که در دو آیهء ذیل آمده است«سبع السموات طباقا»(الملک/3)هفت آسمان‏ رویهم،و«الم تروا کیف خلق الله سبع سموات طباقا»(نوح/ 15)7

باید توجه داشت که مراد از آسمان فقط فضای باز ظاهرا بیکرانه بالا و دور و بر زمین و فضای خالی بین کرات نیست، بلکه شماب کرات هم می‏شود.یعنی مراد از آسمانها فضا و کرات‏ است،اعم از ثواب و سیّارات.البته در فیزیک و نجوم جدید فضا،مطلق و مستقل از ماده و اجرام آسمانی تصور نمی‏شود.8

و در آیهء 30،سورهء انبیاء می‏فرماید:اولم یر الذین کفروا ان‏ السموات و الارض کانتارتقا ففتقنا هما و جعلنا هم الماء کلّ‏ شی‏ء حیّ افلا یؤمنون»مگر کافران ندیدند که آسمانها و زمین از هم باز بودند و ما آنها را به هم پیوستیم و چیز زنده‏ای را از آب قرار دادیم آیا باز هم ایمان نمی‏آورند؟«ثم استوی الی السماء و هی دخان فقال لها و للارض انتیا طوعا او کرها قالتا ائینا طائعین‏ فقضیهنّ سبع السموات فی یومین و اوحی فی کلّ سماء امرها» (فصلّت/12)آنگاه بر آسمان استیلا یافت در حالیکه آسمان دود بود به آسمان و زمین گفت:خواه یا ناخواه بیائید،گفتند: خواهان آمدیم.آنگاه در دو روز آنها را هفت آسمان ساخت و در هر آسمان امر خاص آنها را وحی کرد.این آیه می‏رساند که‏ خلقت آسمانها در دو روز پایان یافت.البته روز یک مقدار معین‏ و معتنابه زمان است و لازم نیست که روز در هر ظرف و موقعی‏ روز زمین باشد که از یک دور حرکت زمین بدست می‏آید. کما اینکه یک روز در ماه تقربا معادل با 5/29 روز از روزهای‏ زمین است.و در آیهء 10،سجده می‏فرماید:زمین را در دو روز آفرید«خلق الارض فی یومین و قدّر فیها اقواتها فی اربعة ایّام».اصل خلقت زمین در دو روز(دوره)و اصل خلقت آسمان‏ در دو روز(دوره)،و از شش دوره(روز)دو دوره دیگر برای‏ کارهای دیگر می‏ماند.9

نکته‏ای که در خصوص روز و مقدار آن نیز می‏توان مورد اشاره قرار داد،آیه 47،سورهء حج است که می‏فرماید:«انّ‏ یوما عند ربّک کالف سنة مما تعدّون»یک روز نزد پروردگارت‏ مانند 1000 سال است که شما به حساب آورید و شاید مبنای‏ سخن پاره‏ای از متفکران که خلقت جهان را در شش هزار سال‏ دانسته‏اند همین آیه باشد.که آیات متعدد خلقت جهان را شش‏ روز و هر روز معادل هزار سال و شش روز مساوی با شش هزار سال دنیوی است و این از باب«القران بعضه یفسّر بعضا»باشد. (پاره‏ای از آیات قرآن پاره‏ای دیگر را تفسیر می‏کنند.

سال 1000 1 روز

سال دنیوی-6000-1000X6 روز

اقوال پاره‏ای از مفسران در این خصوص نیز شنیدنی است: «آفرینش جهان در شش روز،معرکه آراء مفسران است. بعضی از مفسّران گفته‏اند مراد همین روزهای دنیوی است و آفرینش از یکشنبه شروع شده و به پنجشنبه ختم شده است و جمعه روز کمال ملکوت الهی و لذا روز مقدس و عید اسلامی‏ است.یهودیان و مسیحیان آغاز این شش روز را بنحو دیگر و روز تعطیل یا عید را به ترتیب در روز شنبه و یکشنبه می‏دانند.

اما به بدیههء عقل معلوم است که سخن از آغاز آفرینش است که‏ هنوز ماه و خورشید و روز و شبی نبوده است تا چه رسد به هفته‏ و ایّام هفته:لذا بعضی از مفسران آن را یوم ربوبی می‏دانند که در آیهء 4،سوره معارج به آن اشاره شده است.«فرشتگان و روح‏ در روزی که به اندازهء پنجاه هزار سال‏[دنیوی‏]است به سوی‏ او فرا می‏روند.»بیضاوی بر آن است که مراد از یوم،مطلق وقت‏ است.صاحب تفسیر المنار این یوم را با ایّام العرب،یعنی‏ جنگهای عرب در عصر جاهلی که گاه چهل سال طول می‏کشیده‏ یا ایام الله(سورهء ابراهیم/آیهء 5)همانند می‏داند که هیچکدام‏ «یوم»به معنای روز عادی نیست.کسانی هم که اندیشهء تکامل‏ را قبول دارند به این آیه و نظیر آن استناد می‏کنند که نشان بدهند آفرینش مرحله مرحله و تدریجی بوده است نه دفعی.اما فخر می‏گوید:قوم عرب که با یهودیان معاشرت داشتند از آنها این‏ نکته را که خداوند جهان را در شش روز آفریده است شنیده‏ بودند،خداوند هم در واقع اشاره به آن نکته که در تورات‏ آمده بود می‏فرماید که همان خدایی را بپرستید که عقلای قوم‏ شنیده‏اید که جهان را در شش روز آفریده است.10

در هر صورت برداشت انسان از جهان هستی هرچه باشد، چه فیزیکی و چه متافیزیکی و هر قدر تغییر نموده و رو به تزاید و تکامل برود واقعیت این است که این جهان بزرگ به منزلهء مخلوقی‏ عظیم وجود دارد و این همه شگفتی و حیرت از خالقی بزرگ، دانا و مهربان حکایت می‏نماید و صدالبته با پیشرفت معرفت‏ بشری و قدرت دانش انسان خواهد توانست مجهولات بیشتری‏ را برای خویشتن معلوم نماید؛کمااینکه تاکنون با فتح کرات ماه‏ و مریخ که محصول معرفت انسانی است بیش از پیش انسان را شیفتهء نموده است و با قدرت علمی و معنوی فزایندهء بشر،سایر کرات نیز مفتوح خواهند شد که خداوند در سورهء مبارکه الرحمن‏ آیهء 33 می‏فرماید:

«یا معشر الجن و الانس ان استطعتم ان تنفذوا من اقطار السموات و الارض فانفذوا لاتنفذون الاّ بسلطن»

ای گروه جنیان و آدمیان اگر می‏توانید که از گوشه و کنار آسمانها و زمین نفوذ کنید،نفوذ کنید اما جز با نیرویی عظیم‏ نتوانید بدرون نفوذ کنید.

والسلام

##### زیر نویس

(1)-از مبدأ آفرینش سخن گفتن نیاز باطنی انسان است.همانطور که مولوی‏ می‏فرماید:

از کجا آمده‏ام آمدنم بهر چه بود به کجا می‏روم آخر ننمایی وطنم

(2)-استیفن هاوکینگ-ترجمه تاریخچهء زمان-تلخیص صص 21 تا 30

(3)-نکته جالب اینکه این تاریخ از پایان آخرین دوران یخبندان،حدود 10000 سال پیش از میلاد،فاصلهء چندانی ندارد.یعنی همان زمانی که به گفتهء باستان شناسان آغاز تمدن بشری است.

(4) Edwin Hubble

(5)- Big Bang

(6)-هر نظزیه و فرضیه علمی موقتی است و نمی‏توان احکام الهی را بر آن بار کرد.

(7)-ترجمه تفسیر المیزان چهل جلدی،جلد 19،ذیل آیه 7،هود-انتشارات‏ محمدی-تهران.

(8)-خرمشاهی،بهاء الدین،ترجمه وتفسیر قرآن،ص 340،ذیل آیه 65، حج.

(9)-ترجمه تفسیر المیزان چهل جلدی،جلد 19،ذیل آیه 7،هود-انتشارات‏ محمدی-تهران.

(10)-خرمشاهی،بهاء الدین،ترجمه تفسیر قرآن،ص 157.